

قرآن کریم
و تار و های پژوهشی

ذبیح از دیدگاه قرآن، عهدین و مفسران
زینب پوراختری

مروری بر بازتاب تأثیرات اخلاقی، خانوادگی
سریال یوسف پیامبر (ع) بر کشورهای عربی و جهان
حجه الاسلام و المسلمین مهدی گرجی
حجه الاسلام و المسلمین محمد رضا گرجی

انتظار قرآن و انتظار از قرآن
دکتر حجه الاسلام و المسلمین فتح الله نجار زادگان

قرآن پژوهان اصفهان از صدر اسلام تا کنون
حجه الاسلام و المسلمین سیداحمد سجادی





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چکیده:

همان گونه که در کتاب های دینی ذکر شده حضرت ابراهیم(ع) در دوران رسالت خود به اذن خدا در خواب مشاهده کرد که موظف شده تنها فرزند عزیز خود را در راه خدا قربانی کند و حضرت این رویا را برای یگانه فرزندش، تعریف می کند و او نیز خواست خدا را می پذیرد و سرانجام روز موعود فرا می رسد و ابراهیم(ع) فرزندش را در محل قربانی حاضر می کند و قبل از آن، فرزند و صایایی را با پدر مطرح می کند و بعد از انجام این وصایا، پدر اقدام به قربانی فرزند می کند ولی هر چه تلاش می کند کارد نمی برد تا این که به اذن خدا، گوسفندی برای قربانی ارسال می شود و جبرئیل(ع) به حضرت ابراهیم(ع) دستور می دهد که تو از امتحان الهی سربلند بیرون آمدی و اینک این گوسفند را به جای فرزندت، قربانی کن و به خاطر تجلیل از این کار ابراهیم(ع)، هر ساله حاجیان در محل منی، محل قربانی فرزند ابراهیم(ع)، به قربانی می پردازند. امادر خصوص این که فرزند ذبیح ابراهیم(ع)، اسماعیل(ع) بوده است یا اسحاق(ع) نظرات متفاوتی در متون دینی مسلمانان با کتب عهدین وجود دارد در این مقاله بر آن هستم تا موضوع ذبیح را از دیدگاه قرآن، روایات اسلامی و کتب عهدین و همچنین نظرات مفسران شیعه و سنی را با ذکر منابع معتبر به خوانندگان ارائه نمایم.

■ کلید واژه:

ذبیح ، مصادیق ، کتب مقدس و متون دینی

الف- ذبیح در قرآن

۱- در سوره صافات خدا ابتدا ماجرای ذبیح را بازگو کرده، بعد از آن بشارت به اسحاق(ع) را عنوان می کند و می فرماید: (و بشارناه باسحاق نبیا من الصالحین صافات ۱۱۲)

(و این خود دلیلی است بر این که اسحاق(ع) بعد از قربانی به دنیا آمده است) عاملی، جعفر مرتضی، ۱۳۷۷ شمسی، ج ۲، ص ۴۵ / طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۵ شمسی، ج ۷ ص ۳۵۹.

همچنین ترتیبی که از زبان خود ابراهیم(ع) در قرآن آمده است به این معنا اشاره دارد که نخست اسماعیل(ع) و پس از او اسحاق(ع) به دنیا آمده است از جمله:

(الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر

اسماعیل واسحاق) ابراهیم ۳۹

همین طور خداوند در شش مرتبه ای که از آن دو در قرآن یاد کرده، همواره اسماعیل(ع) را بر اسحاق(ع) مقدم داشته است.

۲- در آیه ۷۱ سوره هود می فرماید:

فبشارناه باسحاق ومن وراء اسحاق

یعقوب

(ما او را به تولد اسحاق(ع) بشارت دادیم

و نیز به تولد یعقوب(ع) بعد از اسحاق(ع)

این آیه نشان می دهد که ابراهیم(ع)

مطمئن بود اسحاق(ع) زنده می ماند و فرزند

همچون یعقوب(ع) از او به وجود می آید ،

بنابراین نوبتی برای ذبیح باقی نخواهد ماند .

(عاملی، جعفر مرتضی، ۱۳۷۷ شمسی، ج ۲ ص ۴۵)

ب- ذبیح در عهدین

در سفر پیدایش فصل ۲۲ داستان ذبیح این گونه نقل شده است: بعد از وقایعی که برای ابراهیم(ع) و همسر و فرزندش رخ داد خدا ابراهیم(ع) را امتحان کرده بود گفت: ای ابراهیم! اکنون پسر خود را که یگانه دوست و او را دوست می داری یعنی اسحاق(ع) را بردار و به زمین موريا برو و او را در آن جا بر یکی از کوه هایی که به تونشان می دهم برای قربانی سوختنی بگذار. بامدادان ابراهیم(ع) برخاسته، و دو نفر از نوکران خود را با پسر خویش اسحاق(ع)، برداشته و به سوی آن مکانی که خدا او را فرموده بود رفت. ابراهیم(ع) چشمان خود را بلند کرده، آن مکان را از دور دید. آن گاه ابراهیم(ع)، به خادمان خود گفت: شما در این جا بمانید، تا من با پسر بدان جا رویم و عبادت کرده نزد شما باز آییم. پس ابراهیم(ع)، هیزم قربانی سوختنی را گرفته، بر پسر خود اسحاق(ع) نهاد و آتش و کارد را به دست گرفت و هر دو با هم می رفتند. و اسحاق(ع) پدر خود، ابراهیم(ع) را خطاب کرده، گفت: ای پدر من! اینک آتش و هیزم، لکن بره قربانی کجاست؟ ابراهیم(ع) گفت: ای پسر من خدا بره قربانی را برای خود مهیا خواهد ساخت و هر دو با هم رفتند چون بدان مکانی که خدا بدو فرموده بود رسیدند، ابراهیم(ع) در آن جا مذبح را بنا نمود و هیزم را بر هم نهاد، و پسر خود اسحاق(ع) را بسته، بالای هیزم بر مذبح گذاشت و ابراهیم(ع) دست خود را

کونز

فصلنامه فتنه

۳۳

منظور ازدو
ذبیح ، یکی پدر آن
حضرت ((عبدالله))
بود که عبدالمطلب
جدپیامبر(ص)نذر کرده
بود وی را برای خدا
قربانی کند ، پس

دراز کرده ، کارد را گرفت تا پسر خویش را ذبح
نماید.در حال فرشته خدا از آسمان وی را ندا داد
وگفت : ای ابراهیم! دست خود را بر پسر دراز
مکن و با او هیچ مکن ، زیرا که الان دانستم که
تو از خدا می ترسی ، چون که پسر یگانه خود را
از من دریغ نداشتی .آن گاه ابراهیم (ع)چشمان
خود را بلند کرده دید که اینک قوچی در عقب
وی در بیشه ای به شاخ هایش گرفتار شده پس
ابراهیم(ع)رفت و قوچ را گرفته، آن رادرعوض
پسر خود، برای قربانی سوختنی گذراندید.

یکصد شتر فدایی او قرار داد و دیگری
اسماعیل(ع)بود،زیرا مسلم است که پیامبر از
فرزندان اسماعیل(ع)است نه اسحاق(ع)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان به انجیل
برنابا اشاره کرده وگفته در فصل ۲۴ آن آمده
است : « خداوند با ابراهیم سخن گفت وفرمود
:اولین فرزندان اسماعیل را بگیرواز این کوه
بالا برده واورا به عنوان قربانی وپیشکش ذبح
کن .پس اگرذبیح اسحاق (ع)بود ،انجیل برنابا
اسماعیل(ع)را یگانه فرزند ابراهیم(ع)
نمی خواند. (طباطبایی،محمدحسین ،۱۳۷۵،
شمسی ،ج۷، ص ۳۸۰)

(مکارم شیرازی ، ناصر ، ۱۳۷۴ شمسی ،
ج۱۹، ص ۱۱۹).

۲-درحدیثی روایت شده که شخصی
ازحضرت امام صادق(ع)پرسید:اسماعیل(ع)
بزرگتربودیا اسحاق(ع)؟ وکدام یک ذبیح بودند؟
فرمود:اسماعیل(ع) پنج سال بزرگتر از
اسحاق(ع) بودو ذبیح اسماعیل(ع)بودومکه،منزل
اسماعیل(ع)بودابراهیم(ع)قصدکردتادر ایام حج
در منی اسماعیل(ع) را ذبح کند و میان بشارت
خدا برای ابراهیم(ع)به اسماعیل(ع) و بشارت
اوبه اسحاق(ع)، پنج سال فاصله بود. آیا نشنیده
ای سخن ابراهیم(ع)را که گفت :

ج- ذبیح در روایات

۱-در کتب روایی و تفسیری فریقین، حدیثی
ازرسول خدا(ص)نقل شده که فرمود: (انا ابن
الذبیحین) ((من فرزند دو ذبیح هستم.))

(صافات / ۱۰۰: رب هب لی من
الصالحین)

۱) -طوسی ، محمد بن حسن ، ۱۳۷۷ شمسی
، ج ۸، ص ۵۱۸ / طبرسی ، ابوعلی فضل بن حسن
، ۱۳۸۰ شمسی ، ج ۸، ص ۷۰۷ / قمی ، علی بن
ابراهیم ، ۱۳۶۷ شمسی ، ج ۲، ص ۲۲۶ / رازی ،
ابوالفتوح حسین بن علی ، ۱۳۶۶ شمسی ، ج ۹
، ص ۳۲۱ / رازی ، فخر الدین ، ۱۳۶۹ شمسی ،
ج ۲۶، ص ۱۵۳ / سیوطی ، جلال الدین ، ۱۳۶۲
شمسی ، ج ۵، ص ۲۸۲)

از خدا در خواست کرد که او را پسری از
صالحان ارزانی کند
و حق تعالی در سوره صافات می فرماید :

فبشرناه بغلام حلیم ۳-صافات ۱۰۱



سنی هستند که ذبیح را اسحاق (ع) می دانند . درحالی که ۳۶ نفر دیگر که هم از مفسران شیعه وهم از مفسران سنی هستند ذبیح را اسماعیل (ع) می دانند .

نتیجه بحث ذبیح

موضوع تعیین مصداق ذبیح ابراهیم(ع) از مواردی است که در راه پاسخ گویی به آن ، مسلمانان واهل کتاب دو راه جداگانه را طی کرده اند وهریک به نتایج متناسب با عقاید خویش رسیده اند . در این میان ، عده ای از مسلمانان تحت تاثیر اسرائیلیات ، در تعیین مصداق ذبیح همان راه اهل کتاب را پیموده اند . در کتاب عهد عتیق وعهد جدید وهم چنین در منابع روایی قوم یهود، از جمله ((تلمود)) و((میشنا))، حتی یک بار از اسماعیل(ع) به عنوان قربانی ذکری به میان نیامده است . در این مورد هیچ اختلاف نظری در منابع یهودی مشاهده نمی شود وهمه متفق اند که اسحاق(ع) ذبیح ابراهیم(ع) است . در روایات زیادی که نقل شده ، ذبیح بودن اسماعیل(ع) تایید شده است . البته روایات متعارض نیز وجود دارند ، اما در مقام تعارض بین روایات ، ترجیح با روایاتی است که موافق ظاهر قرآن است . در نتیجه ، روایات دال بر ذبیح اسماعیل (ع) برخوردار از اعتبارند وروایات ذبیح اسحاق(ع) از مدار حجیت خارج اند وعلم آن روایات به صاحبان روایت(اهل بیت) واگذار می شود . اما در مورد این که چرا یهود اصرار دارد که ذبیح ابراهیم(ع) اسحاق(ع) باشد ، مطالعات نشان می دهد، یهود در سرتاسر تاریخ از گذشته تا به امروز افتخارات زیادی را از خود دانسته وقائل بوده است که خداوند فقط به این قوم توجه دارد . همچنان که در قرآن نیز آمده است

که مقصود همان اسماعیل(ع) از هاجر بود . پس فدا کرد به گوسفندی بزرگ . بعد از ذکر این ها فرمود :

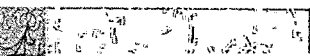
((بشارت دادیم او رابه اسحاق (ع) پیامبری از صالحان وبرکت فرستادیم بر او وبراسحاق(ع)) . ۴-صافات ۱۱۲ و ۱۱۳

پس ذبیح اسماعیل(ع) بودوکسی که گمان کند اسحاق(ع) بزرگتر است از اسماعیل(ع) وذبیح اسحاق(ع) است ، تکذیب کرده است به آن چه خدا در قرآن ازخبر ایشان فرستاده است .

۳- شیخ مفید در امالی خود نقل کرده به سند ی از سلیمان بن یزید که روایت کرده: علی بن موسی(ع) برای ما حدیث کرد و فرمود: پدرم از پدرش ، از حضرت باقر(ع) ، از پدرش ، از پدران بزرگوارش (علیهم السلام) برایم حدیث کرد که فرمودند: ذبیح همان اسماعیل(ع) است . البته نظیر این معنا در مجمع البیان از حضرت باقر(ع) و حضرت صادق(ع) به این مضمون آمده . و روایات بسیاری دیگر از اهل بیت(ع) در این باره هست ، ولی در بعضی از آن ها آمده که ذبیح اسحاق(ع) بوده، که چون این روایات با آیات قرآن مخالف است، مطروح ومردود است

نظر مفسران شیعه وسنی پیرامون ذبیح

از مجموع نظرات ۴۰ مفسران شیعه وسنی معلوم می گردد که ذبیح حضرت اسماعیل (ع) می باشد و فقط ۴ مفسر از میان مفسران



وقالت اليهود والنصارى نحن ابناء
الله واحباوه مائده / ۱۸

یهودیان و مسیحیان گفتند : مقام و منزلت
ما نزد خدا هم چون مقام و منزلت پسر است
نزد پدر.

این که اصرار دارند که ذبیح
ابراهیم(ع)، اسحاق(ع) است نیز از این مقوله
است و این موضوع نیز یکی از فضایل آن
ها محسوب می شود. زیرا یعقوب(ع) پسر
اسحاق(ع) است و یعقوب(ع) چند پسر داشت به
نام های روبین، شمعون، لاوی، یهودا، زبولون،
یساکار، بنیامین، دان، نفتالی، جاد، اشیرویوسف
و همه نفوسی که از صلب یعقوب(ع) پدید آمدند
، ۷۰ نفر بودند (هنری پاترسون، چارلز، ۱۳۸۴
شمسی، سفر خروج، باب ۱: ۶۴).

و لاوی از نواده های اسحاق(ع) و پسر
یعقوب(ع)، پدر موسی(ع) است. پس قوم بنی
اسرائیل جدشان اسحاق(ع) است و از طرف دیگر
مسلمانان می گویند نسب پیامبر اکرم (ص) به
اسماعیل(ع) می رسد. در کتاب سیره ابن هشام
آمده است: ((محمد بن عبد الله بن عبد المطلب
بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بن كلاب بن
كعب بن لوی بن غالب بن فهر بن مالک بن
نصر بن کنانه بن خزیمه بن مدرکه بن الیاس
بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان بن مقوم بن
ناحور بن یترح بن يعرب بن يشجب بن نابت
بن اسماعیل بن ابراهیم بن تارح)). ابن هشام
، عبد الملک، ۱۳۶۸ شمسی، ج ۱، ص ۱۰

ابن هشام می گوید: پس عرب ها از فرزندان
اسماعیل(ع) هستند. بنابراین یهودیان به خاطر
این که نسب پیامبر اکرم(ص) به اسماعیل(ع)

می رسد، نمی خواهند
این فضیلت به اسلام
برسد، بلکه علاقه مند
هستند که به یهود برسد.

لذا اصرار دارند که

بگویند ذبیح ابراهیم(ع)، اسحاق(ع) است و در
این مسیر از هیچ گونه اهانت و نارواگویی در حق
اسماعیل(ع) کوتاهی نکرده اند. چنان که در
تورات، به او وحشی خطاب شده است.

در قرآن صراحتاً از اسماعیل(ع) به عنوان
ذبیح یاد نشده است. و یهودیان بر پایه نقل تورات
بر آن هستند که ذبیح، اسحاق(ع) بوده است.

و برخی از مفسران و مورخان مسلمان
نیز بر پایه روایاتی اسحاق(ع) را ذبیح دانسته و
آن را به چندتن از صحابه و تابعان نسبت داده اند
(۱ - طبری، محمد بن جریر، ۱۳۷۵ شمسی،
ج ۱، ص ۱۵۸-۱۶۰؛ طبری، ابو جعفر محمد بن
جریر، ۱۳۷۰ شمسی، ج ۲۳، ص ۹۶). ۱

اما بیشتر آنان ادعای یهود را به سبب
حسادت نسبت به عرب و پیامبر اکرم دانسته
و با تمسک به دلایل ذیل بر آن اندکه ذبیح
اسماعیل(ع) است:

۱- خداوند پس از بشارت همسر ابراهیم(ع) به
داشتن فرزندی به نام اسحاق(ع)، وی را به آمدن
یعقوب(ع) پس از اسحاق(ع) بشارت داد:

(فَبَشِّرْناه بِاسْحٰقَ وَمِن وَّراءِ
اسْحٰقَ يٰعَقُوبَ (۲ ۲ - هود/ ۷۱)

و بشارت به آمدن یعقوب(ع) پس
از اسحاق(ع) نشان از زنده ماندن و صاحب نسل

شدن اسحاق(ع) است و این با فرمان ذبیح او در کودکی سازگار نیست.

۲- بشارت به اسحاق(ع) در(آیه ۱۱۲ صافات) که پس از بیان داستان ذبیح آمده نیز تأییدی است براین که مراد از ذبیح همان «غلام حلیم» در آیه «فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ»- صافات/ ۱۰۱- ۳ است که بر اسماعیل(ع) منطبق است.

۳- سکونت دادن اسماعیل(ع) در سرزمین تهامه و بنای کعبه و تشریح اعمال حج (طواف، سعی و قربانی) که حاکی از رنج های اسماعیل(ع) و مادرش در راه خداست، «اسماعیل وَادْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلِّ مِنَ الصَّابِرِينَ» انبیاء/ ۸۵

۵- سرخسی ، ابوبکر احمد بن ابی سهل ، ۱۳۷۱ شمسی، ج ۲۶، ص ۱۵۳-۱۵۴؛ قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۷۰ شمسی، ج ۱۵، ص ۶۸

نشان شکیبایی اسماعیل(ع) بر ذبیح دانسته شده است.

۴- وصف «صادق الوعد» برای اسماعیل(ع) : «إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ» ممکن است به سبب وعده او به صبر بر ذبیح باشد.

۵- اگر فرمان ذبیح، در حجاز باشد ذبیح اسماعیل(ع) است، چون اسحاق(ع) به حجاز نیامد، و اگر در شام باشد ذبیح اسحاق(ع) است، چون اسماعیل(ع) پس از انتقال به مکه به شام نرفت (مسعودی ، علی بن حسین ، ۱۳۷۰ شمسی، ج ۱، ص ۴۳)

۶- وجود قربانگاه در حجاز و نه شام ذبیح بودن اسماعیل(ع) را تأیید می کند(مجلسی

- ۱- قرآن : ترجمه قرآن ، الهی قمشه ای ، مهدی ، ۱۳۸۰ شمسی ، انتشارات فاطمه الزهرا ، قم
- ۲- رازی، ابوالفتح حسین بن علی، ۱۳۶۶ شمسی ، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی ، مشهد
- ۳- شریف لاهیجی، محمد بن علی، ۱۳۷۳ شمسی، تفسیر شریف لاهیجی، دفتر نشر داده تهران
- ۴- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۵ شمسی، المیزان، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱۴، قم
- ۵- طبرسی، شیخ ابوعلی فضل بن حسن، ۱۳۸۰ شمسی، مجمع البیان، وزارت ارشاد سازمان چاپ و انتشارات، ج ۴، تهران، ترجمه علی کرمی
- ۶- طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۷۷ شمسی، تفسیر تبیان، دار احیاء التراث العربی، ج ۸، بیروت، تحقیق با مقدمه شیخ آغا بزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی
- ۷- طبیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸ شمسی، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام، تهران
- ۸- عاملی، جعفر مرتضی، ۱۳۷۷ شمسی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، انتشارات سحرگامان، ج ۱، تهران
- ۹- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۳۷۳ شمسی، نورالثقلین، انتشارات اسماعیلیان، ج ۴، قم، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی
- ۱۰- فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۳۷۳ شمسی، صافی، انتشارات الصدر، ج ۴، چاپ دوم، تهران، تحقیق حسین اعلمی
- ۱۱- قرآنی، محسن، ۱۳۸۲ شمسی ، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن ، ج ۱ و ۲، تهران
- ۱۲- مجلسی، محمد باقر، ۱۳۶۱ شمسی، بحارالانوار، دار احیاء التراث العربی، ج ۱۲، بیروت
- ۱۳- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ شمسی، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه ، ج ۱، چاپ اول ، تهران